

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

بررسی درس شانزدهم پایه نهم.<sup>[1]</sup>

مدرس: بانوی ارجمند سرکار خانم جعفریان<sup>[2]</sup>

لحن درس: تعلیمی و عاطفی

### پیامها:

عشق ورزی، لزوم داشتن دوست و نقش آنها در سختی‌ها، نقش دشمن در شناخت عیب‌ها، بخشیدن  
اشتباهات بزرگ دیگران، لذت بردن از زیبایی‌های زندگی، مال و ثروت در خدمت ما باشند نه  
ارباب ما و...

### <sup>[1]</sup><sup>[2]</sup> علامه محمد اقبال لاهوری

شاعر پاکستانی، مسلط به دو زبان فارسی و اردو و چند زبان مهم دیگر دنیا

از آثار اوزبور عجم، اسرار خودی<sup>[3]</sup>

و پیام مشرق

### <sup>[1]</sup><sup>[2]</sup> ویکتور هوگو

مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه، آزادمش، آزادیخواه و طرفدار اصلاحات اجتماعی

به نفع طبقات محروم

از آثار او بینوایان، گوژپشت نتردام پاریس کارگران دریا و...<sup>[3]</sup>

مه ۱۸۸۵م) فوریه ۱۸۰۲م. - ۲۶؛ ۲۲ Victor Marie Hugo ویکتور ماری هوگو (فرانسوی: شاعر، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس پیرو سبک رومان‌تیسیم فرانسوی بود. او به عنوان یکی از بهترین نویسندگان فرانسوی شهرت جهانی دارد. آثار او به بسیاری از اندیشه‌های سیاسی و هنری رایج در زمان خویش اشاره کرده و بازگو کننده تاریخ معاصر فرانسه است. از برجسته‌ترین آثار او بینوایان، گوزپشت نتردام و مردی که می‌خندد است. مشهورترین کارهای هوگو در خارج از فرانسه بینوایان و گوزپشت نتردام است و در فرانسه بیشتر وی را برای مجموعه اشعارش می‌شناسند.

#پایه\_نهم

تحلیلگر: بانو جعفریان

فصل ششم، ادبیات جهان

بیت های آغازین:

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما/ ای جوانان عجم جان من و جان شما؟

حلقه گرد من زیند ای پیکران آب و گل / آتشی در سینه دارم از نیاکان شما؟

بیتهای آغازی و پایانی یکی از غزلهای اقبال لاهوری را ای

واژگان:

چراغ لاله، چراغی شیشه ای به شکل لاله/ عجم، غیر عرب، فارسی زبان

بیکران آب و گل، انسان ها / غره، مغرور / نیاکان، اجداد، پدران / باور، عقیده / به حق، حقیقی، به راستی / نادوست، نارفیق / دوستدار، عاشق / مرغ سحری، بلبل / رایگان، مفت / خرد، کوچک / ارباب، جمع رب، صاحب / یکدل، متحد، صمیمی / آزرده، رنجیده /

معنی بیت دوم [?]

معنی: ای جوانان فارسی زبان (ایرانی) جان من را مثل جان جود بدانید. من مانند چراغی در باغ و خیابان شما میسوزم

آرایه: مصراع اول تشبیه، تناسب (چراغ، سوختن، خیابان) / مصراع دوم، واج آرای «ج»، تکرار جان [?]

معنی بیت دوم

ای انسانها دور من جمع شوید. من فرهنگی از پدران شما را در درون سینه ام حفظ کرده ام  
آرایه ها:

بیکران آب و گل، مجاز از انسان / آتش استعاره از فرهنگ / سینه مجاز از دل، قلب

نکات ادبی دو بیت:

خیابان، جان، نیاکان: قافیه / شد، ردیف /

بیت اول سه جمله (خبری، منادایی، عاطفی) / بیت دوم هم سه جمله (امری، منادایی، خبری)

واژگان [?]

ساده: چراغ، لاله، خیابان، عجم، جان، آب، گل، سینه و...

غیر ساده وندی: جوانان، پیکران ،

نیاکان

افعال: سوزم، مضارع اخباری / حلقه زیند، امری / دارم مضارع ساده

پیام و مفهوم: عشق ورزیدن به زبان فارسی، و سوق دادن جوانان به ادبیات و فرهنگ گذشتگان

### صفحه اول از درس شانزدهم «آرزو»

پیش از هر چیز برای آرزو مندم که به خوبی ها عشق بورزی و نیکان و نیکویی ها به تو روی بیاورند.

آرزو دارم دوستانی داشته باشی، برخی نادوست و برخی دوستدار که دست کم، یکی در جمعشان مورد اعتمادت باشد.

چون زندگی بدین گونه است، برای آرزو مندم که دشمن نیز داشته باشی، نه کم و نه زیاد،

درست به اندازه، تا گاهی باورهایت را مورد پرسش قرار دهند، که دست کم یکی از آنها اعتراض به حق باشد، تا زیاده غره نشوی

#### ابیاتی نزدیک به همین مضمون از سعدی: [?]

«از صحبت دوستی به رنجم / کاخلاق بدم حسن نماید»

«عیب هنر و کمال بیند / خارم گل و یاسمن بیند»

«کودشمن شوخ چشم ناپاک / تا عیب مرا به من نماید»

صفحه اول از درس:

نیکان: خوبان، صفت جانشین اسم [?]

برخی واژگان ساده:

جمع، دشمن، اعتراض، آرزو، اعتماد، زیاده، غره، درست، کم، زیاد، باور و ...

واژگان وندی مشتق: [?]

آرزومند، نیکویی، پرسش، نادوست، خوبی / وندی تصرفی: دوستان، نیکان، باورها، یکی

مرکب: دوستدار

فعل ها:

بورزی، مضارع التزامی / دارم، مضارع ساده / روی بیاورند، مضارع التزامی / داشته باشی، ماضی

التزامی / دهند، مضارع التزامی /

جملاتی با فعل اسنادی: [?]

آرزومندم (هستم) / بدین گونه است / غره نشوی / به حق باشد / مورد اعتمادت باشد

نقش ضمایر:

برایت، به تو، متمم / باورها، اعتراض، اعتمادت، جمعشان، مضاف الیه /

پیام ها:

عشق ورزی به خوبی ها نیاز انسان به دوست و هم دشمن (جهت بررسی باورها)

غره نشدن به خود

برخی از نقشهای دیگر از این بند: [?]

قیدها: نه کم نه زیاد، درست به اندازه، گاهی، دست کم، زیاد

دوستانی داشته باشی، برخی نادوست و برخی دوستدار / دوستان: مفعول / برخی نادوست و برخی [2]

دوستدار: مسند

مورد پرسش، مضاف و مضاف الیه (مورد به معنای محل ورود)

## صفحه دوم از درس شانزدهم

همچنین، برای آرزو مندم صبور باشی، نه با کسانی که اشتباهات کوچک میکنند که این کار ساده‌ای است بلکه با کسانی که اشتباهات بزرگ میکنند.

امیدوارم به پرند ای دانه بدهی و به آواز مرغ سحری گوش کنی وقتی که آواز سحرگاهی اش را سر می دهد.

جملات اسنادی: [2]

آرزو مندم (مسند، فعل اسنادی، صبور باشی (مسند، فعل اسنادی)، این، کار ساده ای است (این

نهاد، کار ساده مسند، است فعل)، امیدوارم (مسند و فعل)

فعلهای خاص: می کنند، بدهی، گوش کنی، سر می دهد

آواز مرغ سحری: آواز هسته، مرغ وابسته پسین مضاف الیه، سحری (مشتق) وابسته ی وابسته و صفت

آواز سحرگاهی اش: آواز هسته، سحرگاهی، وابسته پسین صفت (مشتق مرکب)، اش وابسته پسین

مضاف الیه

پیام ها: بخشیدن اشتباهات دیگران به ویژه اشتباهات بزرگ

لذت بردن از زیبایی های زندگی

## صفحه سوم از درس شانزدهم

چرا که از این راه احساسی زیبا خواهی یافت، به رایگان.

امیدوارم که دانه ای هم بر خاک بیفشانی، هر چند خرد بوده باشد

و با رویدنش همراه

شوی تا دریایی چقدر زندگی در یک درخت جریان دارد.

آرزومندم اگر به پول یا ثروتی رسیدی، آن را پیش رویت بگذاری و بگویی: این دارایی من است.

فقط برای اینکه آشکار شود کدامتان ارباب دیگری است!

آری، پول ارباب بدی است؛ اما خدمتگزار خوبی است.

و در پایان برایت ای مهربان آرزومندم همواره دوستی خوب و یک دل داشته باشی تا اگر فردا

آزرد شده یا پس فردا شادمان گشتی، باهم از عشق سخن بگویند و دوباره شکوفا شوید.

### سعدی می فرماید:

«از زر و سیم راحتی برسان / خویشان هم تمتعی برگیر»

«وانگه این خانه ای که از تو بماند / خشتی از سیم و خشتی از زر گیر»

قلمرو فکری

چرا که حرف ربط، از این راه گروه متممی، این صفت اشاره، راه هسته

احساسی زیبا، گروه مفعولی، احساس هسته، زیبا وابسته و صفت (مشتق)

خواهی یافت، فعل آینده، نهاد (تو)

به رایگان، قید

امیدوارم، مسند و فعل

دانه ای، مفعول

هم، حرف ربط / خاک، متمم / بپوشانی مضارع التزامی

رویدنش گروه متممی / رویدن هسته، ش وابسته مضاف الیه / همراه، مسند / شوی فعل

تا حرف ربط / دریابی مضارع التزامی / چقدر، قید / زندگی، نهاد /

یک درخت گروه متممی / جریان مفعول / دارد، فعل مضارع ساده

به پول یا (به) ثروتی، متمم / رسیدی، ماضی ساده / آن مفعول، ضمیر اشاره / پیش رویت گروه

متممی / بگذاری، مضارع التزامی / و، حرف ربط / بگویی مضارع التزامی

این، دارای من است (مفعول فعل بگویی) جمله اسنادی (این، نهاد / دارای من مسند)

فقط، قید / برای اینکه، حرف ربط /

آشکار شود، مسند و فعل اسنادی / اما حرف ربط / خدمتگزار خوبی گروه مسند / است فعل اسنادی

در پایان گروه متمم قیدی /

برایت، حرف اضافه و متمم / ای مهربان، ندا و منادا / همواره، قید زمان / دوست خوب و یکدل، گروه



مفعولی، دوست هسته، خوب و یکدل صفت/داشته باشی، ماضی التزامی/تا واگر حرف/فردا، پس  
فردا، قید/آزرده و شادمان مسند/شدی و گشتی اسنادی/با هم متمم قیدی/عشق  
، متمم/سخن، مفعول/بگوئید، مضارع التزامی/و ربط/دوباره، قید/شکوفایا، مسند/شوید اسنادی

واژگان مشتق: زیبا، روئیدن، آزرده، شادمان، شکوفایا

واژگان مرکب: خدمتگزار، یکدل، پس فردا،

آرایه ها: فردا، پس فردا مجازا آینده/تضاد: خوب، بد- آزرده، شادمان

پیام ها:

درک و دریافت زندگی در همه آفرینش/دارایی ارباب مان شود بلکه در خدمت ما باشد/نیاز انسان به  
دوست صمیمی بویژه برای روزهای سخت زندگی

#درس\_شانزدهم

#پایه\_نهم

تحلیلگر: بانو جعفریان

کلمات از لحاظ ساختمانی به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

الف: ساده

ب: غیر ساده [?]

حال خود غیر ساده ها امروزه به دو دسته تقسیم می شوند:

الف: غیر ساده تصریفی

ب: غیر ساده غیر تصریفی [?]

غیر ساده تصریفی: اونایی هستن که: علامت جمع، نکره، تر و ترین دارند: مثل: درختان، کتاب ها ( علامت جمع)

مردی ( ی نکره)

بزرگ تر، کوچک ترین ( علامت تر، ترین)

ب: غیر ساده غیر تصریفی خودش به سه دسته تقسیم میشه: [?]

الف: مرکب: مثل: کتابخانه ( که از چند جزء معنی دار تشکیل شده)

ب: مشتق: مثل: گلدان ( که از یک جزء معنی دار و یک یا چند وند تشکیل شده) [?]

ج: مشتق مرکب: مثل: دانش آموز ( که از چند جزء معنی دار و یک یا چند وند تشکیل

پایان